

پروژه‌های جهان متحد شوید!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

در «جزیره ثبات» آتش فشان است

باره مصاحبه اخیر شاه در کاخ نیاوران

گسترش جنبش مردم بر پایه پیمان اقتصادی رژیم استبدادی شاه را دچار لرزه‌های مرگبار می‌کند. آری، در «جزیره ثبات»، آتش فشان لایه دولت دانه به تهدید مبارزان ضد رژیم داریوش همایون سخنگوی دولت و سرانجام به ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ در کاخ نیاوران گمان «رسانه‌های گروهی»، همه دال بر مختلف‌ترین و توسل‌جویی به‌رئیس‌جمهور و تصنیق نظامی است که فساد و تباهی آن بیش از گذشته است. حرف سخنگویان رژیم اینست: «نی باید به آزادیهای اعطاء شده» به فضای «دلخوش باشند و پا را از خطی که نه فراتر نگذارند و خیال ایجاد تحول اساسی برون کنند» والا آنچه که دیدند، از چشم شاه در نیاوران گفت: «این آزادیهای ایدیم، اینها» براه افتادند و فکر کردند که نوشین در اینجا و سه تا تلفن زدن به اروپا امید تقسیم مجدد مملکت امکان دارد. که امکان ندارد. ما که نمی‌گذاریم کسانی نشان برای وطنشان می‌سوزند، نخواهند گذاشت می‌شود. فکرمیکنید قوای مسلح مملکت و ؟

«ببینیم این آزادیها که ما داده ایم، از دست خود شاه سفید و قهوه این «عطیه» بود را چگونه می‌دهد؟ خیر نگار روزنامه از شاه می‌پرسد: تک حزبی را نگاه خواهیم یا بنا بر خصمات روز، این را تبدیل به چند نوحه‌ی یا طور دیگر خواهیم کرد؟ و شاه می‌گوید: «در نهاد «رستاخیز»، تمام حزبها منی همه نوع سلیقه‌ها ممکن است باشد. به اصل معتقد باشند. اگر کسانی به «اصل» نند، که نمیتوانم غیر از این بگویم، که این «این وحشیگریهای این چند روز اخیر را، اصلا ملغی نیستند که «اصل» چیست؟ آن، متوجه باشند یا نباشند. خوب این خواهند بود؟ این، میخواهد در کجاشکل و ما از شکل این اشخاص چه استفاده ای وضع تک حزبی یا چند حزبی یا پیشرفت و وط و مربوط به اخلاق و خصوصیات یک ملت می‌کند؟ قط، باز تکرار میکنم، اینستکه، در گورانه از نظام سیاسی غرب دنباله‌روی بکنیم. ؟ ؟ ؟

طلب روشن است. باید تنها یک حزب باشد، نگاه شهنشاه رستاخیز که یک «نهاد» ایرانی نبی است! و این حزب و همه مردم هم باید پیروی کنند و این اصل مطلق هم اصل است یعنی قبول تسلط ابدی خاندان پهلوی بر و غارتگرانه‌ی جاسمه! و کسی که اصل نباشد کارش «وحشیگری» است. اما در تنها حزب جلوی جامعه که به حرف شاه حتی و خصوصیات ملت، ایران ناشی شده، شاه مصاحبه، در پاسخ مدیر «صدای وسیعی ایران» روی آن اسم کشش زیبای میهنی «رستاخیز» روز مد که بله! رستاخیز حزب فدرا گیره است. ما همه ملت است. اما اینکه باید باشد. م هستیم. پس فردا هم که آمدند، گفتند: تشکیلات می‌خواهد. این، اداره می‌خواهد. مردم گوش داد. کم کم یک خورد بعضی دنباله در صفحه ۲

هدف های بزرگ انقلاب پیروزمند هفتم ثور

نور محمد تره کی صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، طی سخنرانی خود که ۲۰ اردیبهشت از رادیوی کابل پخش شد، نجات اساسی سیاست حکومت جدید را اعلام داشت و گفت: اجرای سیاست مستقل و صلح‌دوستانه عدم تهدید، بیطرفی مثبت و فعال بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز، تحکیم روابط حسن همجواری با همه کشورهای منطقه، گسترش همه جانبه روابط دوستانه با همسایه کبیرمان اتحاد شوروی، جهات اساسی سیاست خارجی ما را تشکیل میدهد.

حکومت جدید هوادار حفظ صلح، خلع سلاح همگانی و کامل، برپایش پایگاههای نظامی موجود در اراضی بیگانه، گسترش و تحکیم روند تشریح‌زدایی، پشتیبانی جنبشهای رهایی بخش ملی خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، پشتیبانی خلقهای عرب در مبارزه آنها برای آزاد کردن اراضی اشغال شده از طرف اسرائیل و خواست عادلانه خلق عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل فلسطین است.

نور محمد تره کی خاطر نشان ساخت که دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال کشور، دفاع از دست آوردهای انقلاب ۷ ثور و ایجاد وحدت واقعی کلیه نیروهای ملی، ترقیخواه و میهنپرست و وظیفه مقدم حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در مورد وضع اقتصادی کشور، صدر اعظم بر ضرورت رفع سریع عقب ماندگی اقتصادی، ایجاد اقتصاد مستقل ملی، صنعتی کردن کشور و بالا بردن سطح زندگی اهالی تکیه کرد. او گفت برای نیل به این هدف لازم است بسود دهقانان زحمتکش اصلاحات ارضی دموکراتیک انجام گیرد. اراضی بایر دایر گردد، مناسبات فئودالی و مانع فئودالی منفي شود؛ بخش دولتی اقتصاد از طریق برنامه ریزی علمی گسترش یابد؛ بهره برداری از منابع طبیعی تحت کنترل مؤثر قرار گیرد؛ حیات اجتماعی بر پایه دموکراسی استوار گردد؛ مسئله ملی بطور عادلانه حل شود؛ نفوذ استعمار نو، امپریالیسم و وابستگی به ان در عرصه‌های گوناگون اقتصاد، فرهنگ و ایدئولوژی ریشه کن گردد.

صدر اعظم تصفیه دستگاه دولتی از عناصر ضد انتلای و ضد دموکراتیک، تقویت ارتش رهایی بخش جمهوری دموکراتیک افغانستان، تأمین کامل حقوق عادلانه سربازان و افسران میهن پرست و در وهله اول تأمین حق شرکت وسیع آنان در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور را خاطر نشان ساخت.

تضمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک، برآوردن خواسته‌های سیاسی و اقتصادی قشر های وسیع خلق - کارگران، دهقانان، پیشه‌روان، روشن فکران، بازرگانان کوچک و روحانیان میهن پرست - تصویب و اجرای قوانین دموکراتیک در کلیه عرصه‌ها، لغاء قوانین و مقررات متاخر با اصول انقلاب و تأمین برابری حقوق زنان نیز از جمله اقدامات حکومت جدید خواهد بود.

نور محمد تره کی لزوم تجدید نظر بنیادی در بودجه دولت بمنظور افزایش اعتبارات صنعتی، آموزشی، بهداشتی، اهمیت اجرای آموزش ابتدائی اجباری و رایگان، مبارزه مؤثر با بیسوادی، گسترش آموزش رایگان متوسطه و عالی بمنظور پرورش کادر های علمی و فنی و ایجاد خدمات پزشکی رایگان را خاطر نشان ساخت و در پایان سخنانش چنین گفت: «اکنون که شورای انقلابی و حکومت انجام وظایف تاریخی شگرف و مهمی را بر عهده گرفته اند، ما از همه خلق دعوت میکنیم که صفوف خود را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، زیر پرچم وحدت و اتحاد کلیه نیرو های ملی، دموکراتیک و ترقیخواه متحد سازند تا انقلاب ملی افغانستان را به پیروزی نهایی برسانند.»

✽ ✽ ✽

خبرنگار ویژه روزنامه «لوموند» طی گزارشی مفصلي که از کابل فرستاده و در شماره ۱۳ مه آن روزنامه درج شده است می‌نویسد: «محمد داود پس از دنباله در صفحه ۲

تسلیم بلا شرط بخاطر جلب حمایت امریکا و کارتل

کنفرانس «اوپک» در طائف (عربستان سعودی) و دور دیگری از مذاکرات نفت بین دولت ایران و کنسرسیوم، که هر دو اواسط اردیبهشت ماه برگزار شد، فرصتهای مناسبی بود برای دفاع از منافع همه کشورهای نفت خیز در حال رشد و هم چنین پایان دادن به تسلط غارتگرانه کنسرسیوم بر نفت ایران. ولی سیاست تسلیم بلا شرط شاه، بخاطر جلب حمایت امپریالیسم امریکا و کارتل از رژیم متزلزل خود، که اکنون با مبارزات ضد دیکتاتوری نیرومنشی در داخل کشور مواجه شده، سبب شد که این فرصتها نیز بلا استفاده باقی بماند و ضربات دیگری بمنافع کلیه کشورهای عضو «اوپک» و منافع ملی ایران در نفت وارد آید.

نوسانات دلار و کاهش ارزش آن در ماههای اخیر موجب شد، که لااقل ۲ میلیارد دلار از قدرت خرید در آمد نفت ایران در بازار جهانی کاسته شود. جلوگیری از افزایش قیمت نفت در کنفرانس کار آکس در آخر ماه بوسیله دولتهای ایران و عربستان سعودی، اگر حداقل ۸ درصد پیشنهادی ونزوئلا را مبدأ محاسبه قرار دهیم، نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلار از در آمد ایران از محل فروش نفت در سال جاری کاست. بانک ملی ایران ذخایر ارزی کشور را در ابتدای سال ۱۲۴۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. کاهش ارزش دلار در چند ماهه اخیر، در صورتیکه نرخ دلار برای بقیه ماهها در سال جاری تثبیت شده باقی بماند، قدرت خرید این ذخایر را حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار کاهش میدهد. رژیم ایران از آنچه بر شمردهیم تنها برای سال جاری به ۵ میلیارد دلار بالغ میگردد.

دیگر کشورهای عضو «اوپک» نیز بسته به میزان استخراج و صادرات نفت خود به بازار امپریالیستی دریافت قیمت نفت به دلار و تسلطی که امپریالیسم امریکا و کارتل بر سیستمهای مالی و اعتباری آنان دارند از تثبیت قیمت نفت، کاهش ارزش دلار و گران شدن در بازار امپریالیستی زیان فاحش می‌بینند. مثلاً ایران عربستان سعودی، از همان مواردی که برای ایران بر شمردهیم، قریب ۹ تا ۱۰ میلیارد دلار و مجموع زیان وارده به اعضای «اوپک» تقریباً بین ۲۰ تا ۲۲ میلیارد دلار دنباله در صفحه ۲

کنفرانس سالیانه سنتو در لندن و تلاشهای تازه رژیم

کنفرانس نویتی وزیران امور خارجه پیمان نظامی تجاوز کار سنتو روز های ۳۰ - ۳۱ فروردین در لندن برگزار گردید. در این کنفرانس وزیران امور خارجه ایران، پاکستان، ترکیه و انگلستان و وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا عضو وابسته این پیمان شرکت داشتند. در جلسات کنفرانس مسائل مربوط به اوضاع خاور نزدیک، قبرس، شاخ افریقا و روابط میان خاور و باختر مورد بررسی قرار گرفت. اظهارات برخی از شرکت کنندگان، کنفرانس، و نیز اعلامیه مشترک که در جلسه‌های کنفرانس بتصویب رسید، نمودار آنتسکه دول امپریالیستی عضو این پیمان و به پیروی از آن رژیم دیکتاتور و ضد ملی محمد رضا شاه به ثبات در قاره افریقا و اوضاع خاور نزدیک قبل از هر چیز از نقطه نظر تأمین اهداف سیاسی و نظامی و استراتژیکی امپریالیسم برخورد میکنند. دول امپریالیستی و رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه منبع وخامت و عدم ثبات در اوضاع منطقه را نه سیاست تسلیحاتی و نظامیگری و سوء قصدها و تجاوز به استقلال کشورهای مستقل و ملی منطقه از آنجمله در شاخ افریقا و خاور نزدیک، بلکه در کوشش کشورهای مستقل و دارای رژیمهای مترقی برای دفاع از حق حاکمیت و استقلال خویش در برابر تجاوز کاری و اوج و گسترش مبارزات رهایی بخش ملی خلقهای منطقه می‌بینند. کمکهای نظامی امپریالیسم امریکا و رژیمهای ارتجاعی منطقه بویژه رژیم دیکتاتوری ضد خلقی رضا شاه به سومالی در جریان تجاوز آن به سرزمین حبشه و تحریرات آنان علیه دولت جوان حبشه دنباله در صفحه ۲

اعلامیه فداسیون سندیکائی جهانی در مبارزات ملت ایران، کنارش باشیم

۹ ماهه نمایشات وسیعی در تهران پایتخت ایران و شهرهای مهمی مانند مشهد، تبریز، اصفهان، قم و غیره انجام شد. در این نمایشات عظیم کارگران، دانشجویان و اقشار مختلف مردم طلب میکردند که رژیم دیکتاتوری سقوط کند و آزادیهای دموکراتیک و سندیکائی، دموکراسی و زندگی بهتر برای مردم تأمین شود. در اثر دخالت پاپس، ارتش و ساواک دهها نمایش دهنده کشته و صدها تن مجروح و بازداشت شدند.

فداسیون سندیکائی جهانی که کراراً و بویژه در سالهای اخیر، به روش خشونت آمیز دولت ایران اعتراض کرده و آنرا محکوم نموده، اکنون نیز پشتیبانی خود را از مبارزات بحق مردم زحمتکش این کشور اعلام میدارد و از تمام زحمتکشان جهان و سندیکاهادعوت میکند تا از مبارزات برادران ایرانی خود پشتیبانی کنند، نسبت به فشار بربر منشته با تمام قوا اعتراض و بانجمن حقوق بشر شکایت نمایند.

۱۱ مه ۱۹۷۸ - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷

لیستین سالگرد شهادت خسرو روزبه در ایتالیا بازتاب گسترده داشت

بمناسبت بیستین سالروز شهادت خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، مراسم با شکوهی در ایتالیا برگزار شد.

در گردهمایی مهم ضد فاشیستی و همبستگی که باین مناسبت در شهر «فیانو رومانو» محل نصب تندیس یاد خسرو روزبه تشکیل شد، هیئتهای نمایندگان حزب توده ایران، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران و نیز نیرو های دموکرات ایتالیا و جمعیت انبوهی از مردم این شهر شرکت داشتند. رفیق لوتیچی لوتگو «Luigi Longo» صدر حزب کمونیست ایتالیا نیز در این گردهمایی حضور یافت و در مصاحبه‌ای که تلویزیون سرتاسری ایتالیا با او نمود اظهار داشت:

«این تظاهرات تنه‌بمندی یک تجلیل و تجدید خاطره نیست، بلکه بیان همبستگی یا مبارزان و مبارزات مردم ایران و آزادی گسترش هر چه بیشترین همبستگی است»

فراین گردهمایی نمایندگان سازمانهای مختلف و از جمله نماینده حزب توده ایران سخنرانی کرد. رفیق لوتیچی لوتگو بمناسبت ۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی ایران نیز پیامی به کمیته مرکزی حزب توده ایران ارسال داشت.

روزنامه «اونیوا» در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ ماه مه مقالاتی باین مناسبت انتشار داد. جریان بر گزارى روز ۲۱ اردیبهشت در ۱۶ روزنامه معتبر ایتالیا و تلویزیون سرتاسری ایتالیا بازتاب یافت.

ما جریان مشروح این مراسم را در شماره آینده «مردم» منتشر خواهیم ساخت.

در جزیره فبات

هاتلمی شان شد. يك عده ' كارهاي ديگر داشتند. يك قلبي شل شد... رستاخيز امروز ' آنجيزي كه روز اول فكر ميكرديم نيست . . .

ولس هين چيز ' قدرتي شل، كه ناشی از اخلاق و خصوصيات، ملت ايران است، بايد بطور انحصاری و تاابد بمنوان جنگ كليه سابقه ها و عقايد باقي بماند و كسانيكه دروواء آن قرار گيرند، به پيمان شاه، شايد ايراني باشند، ولي توقع رجوع كارمسئوليت دار نمي توانند بكنند. چطور ميتوان در اين دنياي آشفته خطرناك، كه هرروز صبح كه از خواب بلند ميشويد، مي بينيد كه چه خيز است، كار را بدست افرازي سپرد كه باين دستگاه و باين مملكت و باين سياست، مستقل ملي (۱) عقیده ندارند؟

تا اينجا بمعناي قسمتي از ' آزاديهاي كه ماداديم، توجه فرموديد: فقط يك حزب دولتي و هر كس كه در آن نيست توقع كار و مسئوليت نداشته باشد. اينك بقسمت ديگر توجه فرمائيد تا منظره ' عطيه ملوكانه، روشن تر شود. سر دبير ' آيندگان، از شاه در باره صلاحيت محاكم نظامي مي پرسد. شاه ميگويد: ' كارهاييكه بر خلاف ماده گوييا ۳۱۷ يا ۳۲۰ قانون دادرسي ارتش هست، كمافي السابق به دادرسي ارتش خواهد رفت. شيشه شكستن واين قبيل كارهاست كه ميروود به داد گاههاي داد گستري. ولي اصل مطلب (ذقت فرمائيد، اصل مطلب) كه جنبه خيانت بمملكت داشته باشد، كمافي السابق به داد گاه نظامي ميروود.

در اين جمله نيز بخش ديگر ' آزاديهاي كه ما داديم، روشن ميشود. هر كاري كه اعليحضرت بفرماید، نامش خيانت ميشود و آنها ميروود به داد گاه نظامي. خوب! اين ديده نظر اعليحضرت است كه البته با زيد و نظر مردم تناقض فاحش دارد. مثلا از ديد مردم شاه كسي است كه معادن و صنايع نفت ايران را جريست در اختيار كارتل امپرياليستي تراجگر گذاشته و با آنكه خودش زماني بصراحت زكي يماني را بمناسبت مخالفت با افزايش بهاي نفت ' يهودا' خوانده بود، خود به مدافع جان سوخته ثابت نگاه داشتن بهاي نفت و تحكيم قرار داد اسارت باز كنسرسیوم يعني يك يهوداي تمام عيار مبدل گرديد. ولي از نظر و ديد هين شاه نقش او در نفت چنين است: ' من توانستم حقوق ملت ايران را در نفت پند آكبري كه تصور آن ممكن بود، و بالا تر از ايهام البته نيست تا مبن تمامي. . . مي بينيد كه با هيچ جر تقبلي نمیتوان اين دو نظر را بهم نزديك آورد.

يا مثلا از ديد مردم، مبارزاني كه عليه رژيم وارد يك نبرد نابرابر و پر خطر شده اند، افرازي مترقي و ايراندوست و فداكارند ولي از نظر شاه مطلب طور ديگري است. بسخت خود او وقت فرمائيد: ' كم كم از آزاديهاي كه ما داديم، سبب شد كه اين قبيل اشخاص تا اين حد ماهيت خود را نشان بدهند و باين ترتيب سيماي كساني كه صد در صد مخالف موجوديت مملكت باين طريق هستند، ظاهر شد. وقايع چند روز اخير كار اين افراد بود. افزاي كه ديگر به رژيم و به مملكت كوچكترين

علاقه اي ندارند. سراسر مصاحبه كاخ تياوران از اين قبيل در هلي شاهوار آينشته است. و نشان ميدهد كه از نظر اين موجود مستبد و مرتجع، وي كمان نايقه و منجي عظيم الشأن است و مخالفان او مشتني خائن و چنانيكار وحشي و بقول او از زمره ' دورشكستگان' سياسي قديمي كه بسلامتي پيشه وري شراب خوردند، و حزب هم فقط يك حزب است و آنها هم حزب فرا گيرنده رستاخيز و تكان هم بخوريد خائن هستند و بايد در داد گاه نظامي بمقدم محكوم شويد و نام اين چيز ها هم آزاديهاي اعطاي اعليحضرت است.

اين مصاحبه، كه مانند ديگر مصاحبه هاي شاه، با بياني عاميانه و مغلوب و درهم و از موضع تفرع و تبختر جنون آميز شاهنشاهي افاده شده نشانه آنست كه در وجود اين مرد پاييد ارتجاع قرون وسطائي، قومباغي خائنان، ذفلي شيدان و قساوت ذخيماص بنحو چاره ناپذيري در هم آميخته است. تسلط چنين جباران بزرگترين فلاكتي است كه ميتواند نصيب جامعه اي و كشوري بشود، مردم ايران تنها زماني ميتوانند نفي به آزادي بکشند كه اين بخلك كم نظير در تاريخ را از روي سينه خود دور كنند و بجاي شايسته او،

تسلیم بلا شرط بخاطر

را تشكيل ميدهد. اين بدان معنی است كه اعضا ' اويك، در سال جاري نه فقط از افزايش در آمد نفت برحسب افزايش بهاي آن، محروم مانده اند، بلكه ارزش واقعي همان پولی كه در سطح سال گذشته دريافت ميكنند، بميزان ۲۰ درصد تنزل يافته است. طبيعي است كه اين زيان بطور عمده متوجه عربستان سعودي و ايران است، كه چنانكه ميدانيم از نظر استخراج و صدور نفت مقام اول و دوم را دارند و سيستمهاي مالي، اعتباري و اقتصادي آنان تمام وابسته دلار و مطلق امريكا و كارتل است.

عربستان سعودي قبل از ديگر اعضا ' اويك، در صدد چاره جويي برآمده و با تشكيل كنفترانس ' اويك، به تغيير وضع اقدام كنند. ليكن واقعيت اينست كه كنفترانس ' طائف، بر اثر فشار ديگر اعضا ' اويك، تشكيل شد و بر اثر لجاج، و يا دقيقتر گفته شود روش خيانت آميز دولتهای عربستان سعودي و ايران، بدون اخذ تصميم پايان يافت. بدنيسان يك كنفترانس ديگر اعضا ' ۱۳ گانه ' اويك، در شرايطي كه منافع ملي همه كشورهاي صادر كننده نفت مستلزم افزايش بهاي نفت و طرد دلار از عرصه معاملات نفتي است، با عدم موفقيت روبرو گرديد. مسئوليت عدم موفقيت كنفترانس طائف مستقيماً با دولتهای ايران و عربستان سعودي است.

شاه كه از مدتي به اينطرف سياست تسليم آشكار در برابر ملامع امريكا و كارتل را پيش گرفته بود، اکنون ميتوان گفت به سياست تسليم بلا شرط تن در داده است. پيدا كردن علت عمده گرايش اخير دشوار نيست. شاه در مقابله با جنبش ضد ديكتاتوري، كه طلي ماههاي گذشته ضريبات حساس به رژيم استبدادي و پليسي اووارد آورده و اكون با سرعت در حال گسترش و اعتلا است، چاره اي جز توسل به حمايت امپرياليسم امريكا و كارتل براي خود نمي بيند. ليكن بهاي اين حمايت، تسليم بلا شرط و پشت پا زدن به منافع ملي و ميهني است، كه در همه زمينه ها مشهود است و كنفترانس طائف نمونه تازه اي از آن را عرضه ميکارد.

مذاكرات نفت بين دولت ايران و كنسرسیوم نيز، كه همزمان با كنفترانس طائف در تهران بر گزار شد، بر پايه همان مواضع تسليم بلا شرط شاه در برابر امپرياليسم امريكا و كارتل جريان پيدا كرد. دو سال قبل در ديهام ۱۳۵۵ دولت ايران قرار داد فروش نفت به كنسرسیوم را عملاً معلق ساخت. مجموعه شرايط داخلي و جهاني طی دو سال گذشته امكانات باز هم مساعد تري براي رهائي ايران از تسلط كنسرسیوم فراهم آورده و قرارداد تنگين فروش نفت به كنسرسیوم را بعنوان قرار داد امتيازي از اعتبار انداخته است. آخرين دور مذاكرات نفت در نيمه ارديبهشت ماه سال جاري با كنسرسیوم به اعلام لغو كامل قرار داد فروش نفت خاتمه يافت، بلكه چنانچه ميشد حساس زد بدانجا رسيد كه مذاكرات، در بيازه ايتماً قرار داد ففلي و يا انعقاد قرار داد تازه اي بر پايه آت به وقت مساعد ديگر موكول شود.

البته انعقاد يك قرارداد جديد در اوضاع واحوال كئوني داخل کشور بمنزله ربحن نفت بر آتش خشم مردم ايران بود، كه بدون آت نيز از هر سو شعله ميكشد. بدنيسان بر اثر تشديد مبارزه مردم ايران خيانت. جديد شاه و رژيم وي عجانلا عقيم ماند.

شاه براي حفظ سلطنت مستيده و ديكتاتوري در داخل به توسل آشكار به نيرو هاي انتظامي و مسلح، و در خارج به تسليم بلا شرط به امپرياليسم امريكا و كارتل پناه برده است. اين هر دو نشانه ضعف و تنزل بيشتر رژيم ضد ملي و ضد خلقي شاه و اثرات جنبش عمومي است، كه بشرط تا مبن اقتصاد همه نيرو هاي مبارز، ميتواند سر نوشت ساز باشد.

به زياته دان تاريخ بفرستند. مبارزه دلبرانه و چنانبازانه مردم كه هم اکنون صفحات تلبنكي در تاريخ جنبش انقلابي ثبت کرده است، بهترين مبشر حتمی بودن آنروزي است كه اين آنروزي بزرگ به مراد بيوندد.

کنفترانس سالیانه ستو در لندن

كه هنوز هم ادامه دارد، آخرين نمونه هاي نقش تجاوز گرانه و تحريك آميز اعضاي پيمان ستو و محافل امپرياليستي در منطقه است.

از كشورهاي منطقه اي عضو پيمان ستو رژيم ديكتاتوري و ضد خلقي شاه بيش از همه به تقويت فعاليتهاي نظامي و تجاوز گرانه اين پيمان در منطقه، يعني فعاليت هاي تحريك آميز عليه رژيمهاي مستقل و مترقي و سر كوب جنبشهاي رهائي بخش ملي در منطقه علاقمند است.

طبق گزارش خور گزاري فرانس پرس دولت ايران از اينكه جنبه دفاع منطقه اي در پيمان ستو بهرور زمان تضعيف شده، نراضی است و معتقد است كه در حال حاضر بايد اصول اوليه اين پيمان، يعني دفاع منطقه اي و مبارزه عليه فعاليتهاي مخرب (يعني جنبشهاي رهائي بخش ملي و مبارزات استقلال طلبانه خلقي منطقه) مورد توجه اصلي قرار گيرد. از اينهم بالا تر، دولت ايران ميخواهد كه امريكا نسبت به ستو احساس مسؤليت و تعهد بيشتر از خود نشان دهد.

عباس خلعتري وزير امور خارجه ايران در اين كنفترانس اظهار داشت با توجه به حضور شوروي و كوبا در شاخ افريقا، ايران بخصوص نگران دسترسي به درياي سرخ در آينده است. وي افزود خطراتي بصور مختلف و بطور مستقيم وغير مستقيم ويشكل عمليات خرابكارانه امنيت ناحيه مارا تهديد ميکند. (اطلاعات ۳۱ فوروردين) اين واقعات نشان ميدهد كه نقش ايران در اجلاسيه ستو، نقشي بود كه مورد تمايل متجاوز ترين محافل امپرياليستي است و براي اين محافل زمينه و بهانه ميسازد تا سياست تشنج فزائي خود را پيش ببرند. رژيم ضد خلقي ديكتاتوري شاه به بيروي از سياست و مواضع امپرياليسم امريكا خواستار آنستكه ستو به ' هدفهاي اوليه، خود باز گردد، معنای اين سخن عبارتست از تقويت و گسترش اقدامات تجاوز گرانه و سر كوب جنبشهاي رهائي بخش ملي در منطقه و نيز تقويت و توسعه تداركات نظامي در منطقه ايكه بلاواسطه در جوار مرزهاي اتحاد شوروي است. بي اعتبار شدن نظريه قلابي در باره ' خطر شوروي، كه اين پيمان بر پايه آن ايجاد گرديد، و نيز تشديد روحيات ضد امپرياليستي و گسترش جنبش هاي رهائي بخش در ميان خلقي منطقه، دول امپرياليستي عضو اين پيمان و رژيم دست نشانده ديكتاتوري محمد رضا شاه را (كه موجوديت آن وابسته به حضور نظامي رسياسي امپرياليسم امريكا در منطقه است) سخت نكسران ساخته است.

رژيم تبهكار و مغفور محمد رضا شاهی در درون کشور با اوج مبارزات متهورانه ضد ديكتاتوري مردم ايران روبرو است. اين رژيم آدمکش عليهرغم بكار گرفتن همه شيردهاي فاشيستي سر كوب و شكنجههاي بهيمي بدست ژوژيفيان سازمان امنيت، تا كنون نتوانسته است از انقباض خشم و اعتراضات نيروهاي مترقي و ميهن پرست كه بمبارزه بر خاسته اند جلوگیری كند. ترديد نيست كه تلاشهاي رژيم براي تحريك و ايجاد تفرقه در ميان قشرهاي مختلف اهالي و سر كوب تظاهرات اعتراض آميز بوسيله چاقو كشان و اوباشان وابسته به دربار و سازمان امنيت وضع آنرا در افكار عمومي بدتر و پايه هاش را مست تر ميسازد. بهمين جهت رژيم نيكوشد از طريق تقويت و تشديد نظراسيگري و جلب هرچه بيشتر تهديدات دول امپرياليستي در ستو (و در خرجه اول امپرياليسم امريكا) به پشتيباني از رژيم، خود را حفظ كند.

رژيم براي تا مبن رضايت امپرياليسم سعي دارد خود را ژاندارم پر حرزات متافع غارتگرانه آنها در منطقه نشان دهد. شاه در مسافرت چندي پيش خود به عمان از واحد هاي نظامي و پاسكاههاي ارتش ايران حرمسقط و ظفار بازرسى نمود. چنانكه مجله شوروي ' زاروزوم' اطلاع ميدهد ايران در اين دو منطقه متجاوز از شصت پايرگاه نظامي دارد كه واحد هاي نظامي مستقر در آن شامل متجاوز از ۱۲ هزار نفر است. مجموعه افراذ نظامي ايران كه بطور عمده در منطقه مجاور پامرزهاي جمهوري توده اي دمو كراتيك يمن استقرار دارند بيش از سي هزار نفر است. هزینه اين لشكر كشي كه تمام وسائل مورد نياز آن بوسيله هوايما از ايران حمل ميشود روزانه دو ميليون دلار است. استقرار واحد هاي نظامي ايران در اين منطقه استقلال و امنيت توده اي دمو كراتيك يمن را مستقيماً تهديد ميکند.

هدف های بزرگ انقلاب

آنكه پسرعمو و دامادش محمد ظاهر شاه را بر كنار كرد و جمهوري اعلام نمود عوامفريا شاهزاده چشم پرشيد، با اين وجود حكومت دست همان سلسله نگاهداشت. قصر او در ژو با تانك و توپ و پياده نظام پلداري، اينك دهها هزار افغان آفتاب خورده كه از سر براي تماشاي قصر آمده اند، مانند سربازان به طبقات بي چيز جامه تعلق دارند. . . .

هائي را كه در نبرد ۷ ثور شركت كرده اند ميكنند. . . . لايد، رژيم سابق محبوبيتي ند ستومش در توده مردم چنين جنبش همگاني سيكاري پديد آورده است. . . .

چارو شدن آخرين بلاماندگان سلطنت و جوشان مابه تيره روزي بود، بدست انقلابيون ساليهاي متمادي در مبارزه براي رهائي خلق از و عقب ماندگي، صداقت و مردانگي خود را رسانده اند، نيمتوانست سرور و شادي بي پايان زجر ديده افغانستان را بر نيانگيرد. آنها، تحولات اجتماعي و اقتصادي حكومت، همو كراتيك افغانستان با تذبذب نيروهاي، آرزو هاي خود را مي بينند و با شور و شوق از آن پشتيباني ميكنند.

از جانب ديگر رژيم بخش عمده در آمد نفتي ايران را با خريد ميلياردها دلار اسلحه نظامي و بهيج انحصارات امپرياليستي امريكا و سرازير ميکند. تا حمايت اين محافل را از زم رژيم خود جلب نمايد. مثلا در مسافرت چن شل رئيس جمهور آلمان فترال به ايران قرار يك ميليارد دوست ميليون ماركي براي خريد ش زير تريناي از آلمان غربي ميان شاه و جمهور آلمان گذاشته شد. در ساليهاي اخير ايران بزرگترين خريدار تسليحات امريكايي از مسرا، هوايما هاي جنگي گرفته تا جنگ افزارهاي زميني بدل شده است. طبق آمار منتشره از جانب خبير امريكايي آسوشيتد پرس، ايران تا كنون بيشتر اسلحه تنها از ايالات متحده امريكا خريداري كرد در اجلاسيه اخير ستو در لندن و امرور خارجه پاكستان و تركيه به از روحيات. محافل اجمعي كشورهاي خود در حل مشكل خاور نزديك، اوضاع شاخ افريقه بقابلي استعمار در اين قاره مواضعي مغاير با مواضع امپرياليستي عضو اين پيمان اتخاذ كردند. مه امرور خارجه تركيه، او كچون، اظهار داشت كه وي كاهش تشنج جرحان و منطقه را يكي از هدفهاي سياست خارجي خویش ميداند. نماينده در مسئله خاور نزديك خواستار شناسائي حقوق خلقي براي تعيين سر نوشت خود و تشكيل يك دولت فلسطيني گرديد و خاطر نشان نمود شناسائي اين را شرط اصلي و ضرور براي استقرار صلح عادلانه و در منطقه خاور نزديك ميشود.

اين موضع گيري تر كيه در قبال روش پر نماينده ايران براي تكرر سفنان، امريكا و از در جهت جنگ سرد، اختلاف برخورداري از اجلاسيه لندن بود نشان ميدهد. مردم ايران خواستار خروج کشور ما از ستو و اتخاذ سياست بوده اند و مطمئن هستند كه لازمه نبرد آنها راه، نبرد متحد همه نيروهاي ضد ديكتاتوري برانداختن رژيم ضد ملي و ضد خلقي مستعد را، است. ق - بهروز

ولشرجی از کیسه مردم

روزنامه انگليسي ' ديلي ميل، در ۲۷ ۱۹۷۸ چنين مي نويسد: ' خواهر دوقوي شاه ايران، كه شا پيش در ' آنتيب، در ماشين رولزرويس خود، حمله چند نفر مرد مسلح نقاب دار قرار گرفت و نمانده بود كه جلش را از دست بدهد. آكد دست بيك و لخرجي همگمت زده است. او، آنكه چهل و پنج ۱۶۰ جريب زمين در ' بورلي Beverly Hills) خريد، اينك قصد دارد ميليون ليبره خرج خانه اي بمساحت نيم هكتار كه در دريچه بديع ۳۰ ميليون ليبره و جاده اي، بطول دو ميل نيز در نزديكيش ساخته خواهد. اشرف مسكن است كه كاهگهي نيز، آخر در منزل جديد بگنراند.